مرگ نوزاد ۹ روزه رمزگشایی می‌شود

مرگ نوزاد ۹روزه در یکی از بیمارستان‌های تهران نشان داد پدر و مادر او پس از اطلاع از فوت بچه‌شان گریخته‌اند. مادر طفل که در جریان تحقیقات پلیس بازداشت شده بخشی از زندگی دشوارشان را که به مرگ فرزندشان منجر شده است، شرح داد.

به گزارش «جوان» روز دوشنبه ۲۵ مرداد امسال نماینده حقوقی بیمارستانی در جنوب تهران به دادسرای امور جنایی تهران رفت و از مرگ مشکوک نوزاد پسر چند روزه‌ای بر اثر مسمومیت دارویی خبر داد.

وی در توضیح ماجرا گفت: من نماینده حقوقی بیمارستان هستم که امروز به من خبر دادند دو روز قبل نوزاد پسر ۹روزه‌ای به طور مشکوکی به کام مرگ رفته است و از آنجا که پدر و مادرش پس از فوت فرزندشان از بیمارستان گریخته‌اند به دادسرا آمدم تا درباره جسد نوزاد شیرخوار، مقام قضایی تعیین تکلیف کند.

وی ادامه داد: آن طور که در پرونده نوزاد پسر نوشته است، چند روز قبل زن و شوهر جوانی سراسیمه نوزاد شیرخواری را که حالش خیلی بد بوده به بیمارستان منتقل می‌کنند. پس از این تیم پزشکی نوزاد را به بخش مراقبت‌های ویژه منتقل می‌کند که پس از انجام آزمایش‌های لازم مشخص می‌شود این نوزاد با دارو که احتمال می‌رود متادون باشد، مسموم شده است. نوزاد ۹روزه سه روز در بیمارستان بستری بود و تیم پزشکی هم خیلی تلاش کرد که جان او را نجات دهد اما متأسفانه روز سوم بستری نوزاد فوت کرد که متوجه شدیم پدر و مادرش پس از فوت فرزندشان از بیمارستان فرار کرده‌اند. وی در پایان گفت: بررسی پرونده وی مشخص شد این نوزاد در همین بیمارستان متولد شده است که پس از بیماری والدینش دوباره او را برای درمان به بیمارستان منتقل می‌کنند اما آدرس و تلفن درستی در پرونده وجود ندارند.

■ دستگیری مادر نوزاد

با طرح این شکایت جسد نوزاد به دستور قاضی حبیب‌الله صادقی، بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران برای مشخص شدن علت اصلی مرگ به پزشکی قانونی منتقل شد و پرونده هم برای رسیدگی در اختیار تیمی از کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفت.

در حالی که پزشکی قانونی علت مرگ نوزاد ۹ روزه را مسمومیت با متادون اعلام کرده بود، مأموران پلیس موفق شدند مادر این نوزاد را شناسایی و بازداشت کنند اما مشخص شد شوهر وی به مکان نامعلومی فرار کرده است.

■ معتادیم

متهم پس از انتقال به اداره پلیس جرم خود را منکر و مدعی شد متادون را زن برادر شوهرش به نوزادش خورانده است و خودش در مرگ نوزادش تقصیری ندارد.

وی صبح دیروز برای بازجویی به دادسرای امور جنایی منتقل شد و در شرح ماجرای مرگبار نوزاد شیرخوارش و دشواری‌های زندگی‌اش که چند سالی است با آن دست و پنجه نرم می‌کند، گفت: من و شوهرم معتادیم و به همین خاطر جنینم در شکمم معتاد شد و وقتی هم به دنیا آمد معتاد بود و بی‌قراری می‌کرد که مجبور بودم به آن به مقدار خیلی کم متادون بدهم تا آرام شود و گریه نکند.

وی ادامه داد: ۱۲سال قبل با شوهرم ازدواج کردم. هر دو وضع مالی خوبی نداشتیم که برای کار به تهران آمدیم و زندگی‌مان را شروع کردیم. شوهرم کارهای خدماتی انجام می‌داد و من هم سعی می‌کردم برای خانواده‌های پولدار کلفتی کنم. همه تلاش‌مان این بود که بچه‌دار شویم اما مشکل داشتیم تا اینکه هفت سال قبل با دارو و درمان اولین فرزندمان که پسر بود به دنیا آمد و الان هفت ساله است.

شوهرم معتاد شد و من هم به بیماری دیابت دچار شدم که شوهرم پیشنهاد داد برای کنترل آن تریاک مصرف کنم. من هر از گاهی تریاک مصرف می‌کردم که کم‌کم معتاد شدم. پس از آن زندگی ما سخت‌تر شد که مدتی بعد من در حمام عمومی شروع به کار کردم و در طبقه بالای همان حمام هم که اتاقی دارد زندگی‌مان را ادامه دادیم.

■ زن برادر شوهرم مقصر است

یک سال قبل دوباره حامله شدم که تصمیم گرفتیم فرزند دومم را به دنیا بیاورم و به همین خاطر تریاک را کنار گذاشتم اما در دوران بارداری شربت متادون مصرف می‌کردم. وقتی فرزندم به دنیا آمد همیشه بی‌قراری و دائم گریه می‌کرد که فهمیدیم او هم معتاد است و به همین سبب من و شوهرم به او شربت متادون می‌دادیم که آرام شود، البته به اندازه خیلی کم به او می‌خوراندیم. از طرفی هم در این چند روز زن برادر شوهرم که فهیمه نام دارد به خانه ما سر می‌زد و به من کمک می‌کرد، چون من کسی را در تهران ندارم.

روز حادثه فهمیه در خانه ما بود که ناگهان فرزندم شروع به گریه کرد و دوباره بی‌تابی‌هایش شروع شد. هر چقدر تلاش کردیم او آرام نشد که زن برادر شوهرم مقداری متادون داخل کاسه‌ای ریخت و با چایی به هم زد و به فرزندم داد. فرزندم وقتی خورد آرام شد اما چند ساعت بعد حالش بد شد. هر دقیقه‌ای که می‌گذشت حالش بدتر می‌شد تا جایی که احساس کردیم به سختی نفس می‌کشد و به همین خاطر من و شوهرم به سرعت نوزادمان را به بیمارستان منتقل کردیم تا تحت درمان قرار گیرد. پزشکان نوزادمان را به بخش مراقبت‌های ویژه منتقل کردند که ما به خانه برگشتیم. در این مدت یک بار به دیدن فرزندم رفتم اما بار دوم فهمیدم که فوت کرده است. وقتی درباره جسد فرزندم از کارمند بیمارستان سؤال کردم، او گفت که بیمارستان خودش او را دفن می‌کند و ما نگران نباشیم و من هم دوباره به خانه برگشتم که پس از چند روز مأموران پلیس من را بازداشت کردند.

وی در پایان گفت: پس از این حادثه من رابطه‌ام را با فهمیه قطع کردم و الان هم از آنها خبری ندارم.

متهم پس از اعتراف به جرمش به دستور بازپرس برای تحقیقات بیشتر در اختیار کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفت. همچنین بازپرس به مأموران دستور داد ضمن بازداشت پدر نوزاد فوت شده، فهمیه را هم به اتهام خوراندن متادون به نوزاد ۹روزه که باعث مرگ وی شده است بازداشت کنند و مورد بازجویی قرار دهند.

رئیس پلیس پایتخت:

مجرمان گستاخ‌تر شده‌اند، برخوردمان قاطع‌تر می‌شود

فرمانده انتظامی تهران بزرگ با بیان اینکه مجرمان نسبت به گذشته گستاخ‌تر شده‌اند، به طوری که با پلیس درگیر می‌شوند، از برخورد قاطع‌تر با آنها خبر داد.

به گزارش «جوان» سردار حسین رحیمی، رئیس پلیس پایتخت در حاشیه سومین مرحله از طرح اقتدار که صبح دیروز در ستاد فرماندهی انتظامی تهران بزرگ برگزار شد، از دستگیری ۳۲۰نفر از اراذل و اوباش سطح‌دار، عاملان تخریب، مزاحمان نوامیس و توزیع کنندگان مواد مخدر و مشروبات الکلی خبر داد و گفت: «از ۳۲۰ متهم دستگیر شده ۱۰۵ نفر سطح‌دار، ۱۲۰نفر مزاحمان نوامیس، ۹نفر دارندگان سلاح جنگی، ۱۹نفر توزیع کننده مشروبات الکلی و ۵۹نفر نیز توزیع کننده مواد مخدر هستند. همچنین در این طرح هشت سلاح جنگی، ۱۴۰ سلاح سرد و ۲۸۵ شبه‌سلاح نیز کشف شده است.»

سردار رحیمی در ادامه گفت: «در این طرح ۴۸ مرکز قماربازی با گردش میلیاردی و ۶۲ مرکز که محل تردد اراذل و اوباش بود، شناسایی و پلمب شد.» وی با اشاره به دستگیری ۵۸نفر از گردانندگان سایت که اقدام به فروش اقلام ضدامنیتی و داروهای غیرمجاز می‌کردند، گفت: «۲۷نفر از اراذل و اوباش نوظهور فعال در فضای مجازی دستگیر و ۱۷ تارنمای فعال در زمینه شرط‌بندی نیز بسته شدند. ۱۱نفر از فروشندگان دارو نیز دستگیر شدند و ۱۲۰هزار قلم داروی کمیاب کشف شد. در این عملیات همچنین یک باند سه‌نفره با ۱۱۳ نفر شاکی دستگیر شد که این باند بالغ بر ۳۰میلیارد ریال گردش مالی داشته است.»

وی با اشاره به دستگیری شش متهم کلاهبرداری اینترنتی با ۵۰۰شاکی، ایجاد امنیت عمومی را اولویت اصلی پلیس پایتخت دانست و ادامه داد: طرح‌های اقتدار و طرح‌های عملیاتی پلیس برای ایجاد امنیت باثبات و پایدار با جدیت توسط پلیس تخصصی فرماندهی انتظامی تهران بزرگ اجرا می‌شود و این اخطاری بزرگ برای افرادی است که قصد به چالش کشیدن امنیت عمومی جامعه را دارند. رئیس پلیس تهران با اشاره به برخورد جدی نیروی انتظامی با هرگونه اقدام مغایر امنیت گفت: در روز گذشته در برخورد با مجرمان دو نفر از افراد ما در پلیس مجروح شدند که در جریان یک عملیات با همکاری پلیس استان مرکزی و همدان عاملان این حادثه دستگیر شدند، البته گستاخی مجرمان اخیراً بیشتر شده است و با پیگیری و تمهیدات پلیس با این وقاحت و گستاخی برخورد خواهد شد.

وی در آخر گفت: «پلیس در شش ماهه اول سال یک درصد افزایش وقوع جرائم و ۲درصد افزایش وقوع کشف در پایتخت را داشته که بیشتر جرائم نیز در حوزه جرائم خرد بوده است.»

قطع پا به خاطر سوءظن

مردی که حدود دو ماه قبل به خاطر یک سوءظن با شلیک گلوله پایش قطع و آسیب جدی به بدن او وارد شده بود، روی صندلی نشسته بود. کنار او پدر پیرش ایستاده بود تا او را دلگرمی بدهد. شاکی در گفت‌وگو به سؤالاتمان پاسخ داد، سپس با گریه گفت: فقط نمی‌دانم جواب دختر هشت ساله‌ام را چه بدهم، چون دیگر نمی‌توانم با او بازی کنم.

چند سال دارید؟

۳۸ سال.

شغلت چیست؟

آهنگری داشتم ولی به خاطر آسیبی که در این حادثه دیدم، دیگر توان کار کردن ندارم.

متهم را می‌شناختی؟

پسرخاله همسرم است.

باهم اختلاف داشتید؟

خیر.

پس چرا با اسلحه به تو حمله کرد و به این روز افتادی؟

به خاطر یک سوءظن.

توضیح بده.

روزی در محله خاک سفید از سر کار برمی‌گشتم و هنوز لباس کار تنم بود. در مسیر همسر و فرزند متهم را دیدم که منتظر ماشین بودند. خوب نبود با ماشین از جلوی آنها رد می‌شدم، به همین خاطر ایستادم و آنها را سوار کردم تا ایستگاه مترو برسانم. بین راه خواهران متهم ما را دیدند. آنها همان شب با برادرشان صحبت و او را تحریک کرده بودند که غیرت نداری، چون همسر و فرزندت سوار ماشین فلانی بودند. همین باعث شد او با اسلحه مقابل مغازه‌ام بیاید و بعد از درگیری با شلیک گلوله به پایم و شکمم مرا ناقص کند.

بعد از توضیحات شاکی به طرف متهم رفتم. او خیلی دوست نداشت با من حرف بزند و فقط به چند سؤال جواب داد.

چند سال داری؟

۳۵ سال.

شغلت چیست؟

مسافرکشی.

سابقه داری؟

بله.

چی؟

کیف‌قاپی، شرارت و درگیری.

اسلحه را از کجا تهیه کرده بودی؟

از دوستم قرض گرفته بودم.

برای شلیک به شاکی؟

نه این حادثه خیلی اتفاقی رقم خورد.

به خاطر چی؟

فقط سوءظن. اشتباه کردم.

اجاره کارت بانکی به سایت قماربازان

یک گروه هفت، هشت نفره که همه با لباس مشکی در حیاط ستاد فرماندهی ایستاده بودند توجه بچه‌های خبرنگار را جلب کرد. متوجه شدیم اتهامشان اجاره کارت بانکی‌شان به یک باند قمارباز است. امین یکی از این متهم‌ها بود که می‌گفت اشتباه کردم و گول خوردم.

امین چند سال داری؟

۲۴ سال.

بیکار بودی که دنبال پول حرام رفتی؟

نه اتفاقاً در یک املاک مشغول بودم و درآمدم خوب بود.

پس چی شد؟

طمع کردم و گول خوردم.

این کار پیشنهاد چه کسی بود؟

یکی از دوستانم. روزی مرا دید و گفت می‌خواهد خرید و فروش اینترنتی راه بیندازد. او به این بهانه از من کارت بانکی خواست و من به او اعتماد کردم.

چقدر درس خوانده‌ای؟

دانشجو هستم.

یک دانشجو چطور باید گول بخورد؟

[سکوت متهم].

از شگرد این سایت بگو.

آنها سایت شرط‌بندی راه انداخته بودند و در کشورهای دیگر هم عضو داشتند. برای این کار باید چند کارت را شارژ می‌کردند. قرار بود به ازای هر بردی در قمار درصدی هم به کارت ما واریز شود.

سابقه داری؟

خیر بار اول است که دستگیر شده‌ام و خیلی پشیمانم.

کلاهبرداری کاسبان دوره‌گرد

چند مرد میانسال فروشندگان دوره‌گردی بودند که با دستگاه اسکیمر و کپی کارت بانکی مشتریان مبالغ زیادی را کلاهبرداری کرده بودند. یکی از آنها مراد نام داشت، او با فروش میوه در پشت وانت مرتکب این جرم شده بود.

سابقه‌داری؟

بله یک فقره کلاهبرداری.

چرا دوباره سراغ کار خلاف رفتی؟

درآمدم زیاد نبود، از طرفی اعتیاد هم داشتم.

از این راه چقدر کاسب شدی؟

دقیق نمی‌دانم اما چند میلیون.

با این پول چه کار کردی؟

با آن معامله لوازم خانگی می‌کردم. چند بار هم خرید طلا انجام دادم.

از شیوه کلاهبرداری‌ات بگو.

پشت وانتی که داشتم را پر از جعبه‌های میوه می‌کردم و هر روز سر یک چهارراه یا خیابان می‌ایستادم. وقتی مشتری برای خرید می‌آمد به بهانه کرونا وجه نقد قبول نمی‌کردم و می‌خواستم کارت عابر بدهد. به دستگاه کارت خوان یک اسکیمر متصل بود که از آن کارت کپی می‌گرفت. دستگاه کارت خوان را داخل ماشین گذاشته بودم. بعضی مشتری‌ها اصرار می‌کردند خودشان رمز بزنند اما از کارت مشتری‌هایی که اعتماد می‌کردند و کارتشان را در اختیار من می‌گذاشتند یک کپی می‌گرفتم و بلافاصله حسابشان را خالی می‌کردم.

یادداشت

سرهنگ رابعه جوانبخت*

پیامد فرار از صحنه تصادف

در مورد رانندگانی که از صحنه تصادف فرار می‌کنند، ماده ۷۱۹ قانون مجازات اسلامی خیلی شفاف به این موضوع پرداخته است. این ماده اشاره دارد که اگر مصدوم احتیاج به کمک فوری راننده داشته باشد و آن راننده امکان رساندن مصدوم را به مراکز درمانی و مطلع کردن مأموران انتظامی داشته باشد و به هر دلیلی صحنه را ترک و فرار کند و متأسفانه مصدوم را در آن حالت رها نماید، به حداکثر بیش از دوسوم مجازات که در همان ماده قانونی برای آن در نظر گرفته شده محکوم می‌شود و در واقع مجازات وی تشدید می‌گردد.

در تبصره ۲ همین ماده نیز اشاره می‌کند که اگر همان راننده در صحنه بماند و موجبات تخفیف آلام و جراحات مصدوم را فراهم نماید، باز هم از تخفیف مجازات برخوردار می‌گردد و قانون در هر دو مورد اشاره کرده در برابر راننده‌ای که تعهد دارد و یک شهروند مسئول است و در برابر راننده‌ای که متأسفانه مسئولیت خود را انجام نمی‌دهد، رفتار جداگانه‌ای در نظر گرفته است، بنابراین به رانندگان توصیه می‌شود فکر نکنند که همیشه آنها در تصادفات مقصر هستند بلکه در بسیاری از اوقات این عابر پیاده است که مقصر می‌باشد و برای همین اگر با عابر پیاده‌ای تصادف کردند، در محل بمانند و پای آن تصمیم بایستند چراکه قانون و بیمه حمایت‌ها و پوشش‌های لازم را انجام می‌دهد.

در تصادفات به عنوان راننده اولین اقدام این است که خودروی خود را متوقف کرده و پلیس را از وقوع این تصادف جرحی مطلع کنیم. نکته بعدی این است که اگر عابر پیاده و مصدوم در این تصادف در وضعیتی است که از نظر جراحت دارای مصدومیت شدید است و آسیب‌دیدگی وی زیاد می‌باشد یا شاید دچار آسیب‌دیدگی نخاعی شده باشد و ما خیلی به این موضوع اشرافیت نداشته باشیم، باید از دست زدن و جابه‌جایی این عابر پیاده خودداری کنیم و منتظر آمدن خودروهای امدادی باشیم.

حال ممکن است متوجه شویم که خودروهای امدادی شاید دیرتر برسند و ما آن زمان را از دست می‌دهیم و این امکان وجود دارد که از مصدوم بپرسیم که آیا می‌تواند دست و پای خود را تکان دهد و آن هوشیاری لازم را دارد و این امکان هم برای ما وجود دارد، بنابراین با توجه به قوانین و مقرراتی که وجود دارد، ما می‌توانیم با توجه به اینکه خودروهای امدادی در شهر تهران در لحظاتی در گره‌های ترافیکی بعد از ظهر مثلاً می‌باشند و شاهد حضور دیرتر خودروهای امدادی هستیم، ما می‌توانیم این کار را انجام دهیم و مصدوم را به بیمارستان برسانیم ولی یادمان باشد که حتماً ما پلیس را در جریان قرار دهیم چراکه پلیس با سامانه‌هایی که دارد با خودروهای امدادی تماس می‌گیرد و در کمترین زمان ممکن امکان حضور آنها مهیا می‌شود. بعضی مواقع ما به عنوان یک انسان در مقام تصمیم‌گیری‌های مهم قرار می‌گیریم و آنجاست که نشان می‌دهیم در لحظه، تصمیم درست و منطقی را می‌گیریم و با یک تصمیم اشتباه تا مدت‌ها خود را زیر سؤال نمی‌بریم. یکی از این موارد همین لحظاتی است که آسیب به‌وجود آمده و اینجاست که باید با خود این تصمیم را بگیریم که الان نجات جان فرد مصدوم مهم است و باید تصمیم درست را انجام دهیم یا متأسفانه مانند برخی رانندگان که شاهد آن هستیم که محل حادثه را ترک و فرار می‌کنند. راننده با فرار کردن از صحنه حادثه آن لحظات طلایی برای نجات جان مصدوم را از دست می‌دهد و به خاطر این تصمیم اشتباهی که این دست رانندگان می‌گیرند ما شاهد دامنه وسیعی از اتفاقات بعد از تصادف هستیم که در آینده به وقوع می‌پیوندد.

*** کارشناس تصادفات پلیس راهور تهران**

قاتل سرباز پلیس مجرم شناخته شد

پرونده مرد شروری که متهم است عبدالجبار مختوم‌نژاد، سرباز پلیس را به طرز دلخراشی به شهادت رسانده است با صادر شدن کیفرخواست در دادگاه کیفری یک استان تهران بررسی می‌شود.

به گزارش «جوان» ظهر روز شنبه نهم مردادماه امسال قاضی محمدجواد شفیعی، بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران با تماس تلفنی مأموران کلانتری ۱۱۰ شهدا از قتل سرباز وظیفه‌ای به دست مرد جنایتکاری باخبر و همراه تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی راهی محل شد.

تیم جنایی در بیمارستان با جسد عبدالجبار مختوم‌نژاد، سرباز کلانتری ۱۱۰ شهدا روبه‌رو شدند که با اصابت ضربه چاقو به قتل رسیده بود.

نخستین بررسی‌ها نشان داد سرباز مختوم‌نژاد هنگام انتقال مجرم خطرناکی به نام علی از دادسرا به کلانتری در نزدیکی یکی از خیابان‌های کلانتری شهدا به دست وی به شهادت رسیده است.

همزمان با انتقال جسد سرباز وظیفه به پزشکی قانونی، مأموران تلاش زیادی برای دستگیری قاتل فراری آغاز کردند که در نهایت چند ساعت بعد وی را در حالی که سوار بر موتورسیکلت سرقتی در یکی از خیابان‌های کرج بود، شناسایی و دستگیر کردند.

متهم پس از انتقال به تهران به جرم خود اقرار کرد و در توضیح ماجرا گفت: اهل شهرستان تویسرکان همدان هستم و شغل اصلی‌ام آشپزی در رستوران‌ها و شرکت‌ها بود. همراه همسر و دخترم زندگی خوبی داشتیم و در تهران برای چند دانشگاه آشپزی می‌کردم تا اینکه بیکار شدم و همسرم از من طلاق گرفت. پس از این من و دخترم تنها شدیم که به تویسرکان بازگشتیم و در سال ۹۸ وارد باند خلافکاران شدم و موتورسیکلت سرقت می‌کردم. مدتی بعد در حالی که ۲۲ موتورسیکلت سرقت کرده بودم دستگیر و راهی زندان شدم که خردادماه سال ۹۹ با گذاشتن وثیقه آزاد شدم و این بار برای دزدی به کرج آمدم. هر روز صبح از کرج به تهران می‌آمدم، از جلوی بیمارستانی موتورسیکلت سرقت می‌کردم و به کرج می‌رفتم تا اینکه چند روز قبل هنگام سرقت جلوی بیمارستان شناسایی و دستگیر شدم. روز حادثه سرباز وظیفه مرا همراه متهم دیگری به دادسرا برد. آن متهم آزاد شد اما من باید وثیقه می‌گذاشتم که همراه سرباز وظیفه به کلانتری برگشتیم. نزدیک کلانتری به سرباز وظیفه گفتم که گرسنه هستم و او می‌خواست برای من ساندویچی بخرد که فرار کردم. او مرا تعقیب کرد و در یکی از کوچه‌های اطراف کلانتری به دام انداخت که با چاقو به او ضربه زدم و گریختم.

متهم پس از تحقیقات تکمیلی راهی زندان شد و بازپرس هم یک روز قبل کیفرخواست متهم را به جرم قتل عمد صادر کرد، بنابراین متهم به زودی در دادگاه کیفری یک استان تهران محاکمه می‌شود.

کارت شناسایی خودرو پرتون لیفت بک تیپ GEN_۲ مدل ۲۰۰۸ رنگ آبی روشن متالیک شماره پلاک (ایران ۶۶ ۶۴۴ ب ۵۸) به شماره موتور S۴PHNW۷۵۵۴ شماره شاسی PL۱CM۶LNL۸G۱۵۷۹۲۷ متعلق به شاهین شاهینی مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.
البرز

امور مشترکین و توزیع روزنامه جوان ۸۸۴۹۸۴۷۶

به جوان دوباره نگاه کن Javanonline.ir

برگ اعلام وضعیت (برگ سبز) خودروی سواری پرایدمدل ۱۳۸۹جی ال ایکس آی به رنگ نوک مدادی متالیک به شماره موتور۳۵۷۵۵۱۹ و به شماره شاسی s۱۴۱۲۲۸۹۵۲۶۳۷۰ و به شماره انتظامی ۱۵ ایران ۸۷۶ د ۷۳ مفقود شده و لز درحه اعتبار ساقط است.
تبریز

مفقودی
برگ سبز خودرو سواری سیستم :پراید تیپ :جی تی ایکس آی رنگ : نقره ای متالیک مدل: ۱۳۸۶ به شماره انتظامی ۲۱۹ ل ۳۵ ایران ۹۴ شماره موتور : ۲۱۸۵۰۱۸ شماره شاسی : S۱۴۱۲۲۸۶۶۳۸۸۲۲ به مالکیت محمد عبیدی دولابی به کد ملی ۳۴۵۰۱۷۶۴۵۵ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

مفقودی
برگ سبز و سند کمپانی خودرو سواری سیستم : پژو تیپ : PARSTU۵A رنگ : سفید - روغنی مدل: ۱۳۹۷ به شماره انتظامی ۹۹۵ ط ۳۱ایران ۸۴ شماره موتور : ۱۳۴B۰۰۰۱۱۸۰ شماره شاسی : NAAN۵۱FE۶JH۶۴۰۱۵۸ به مالکیت ابراهیم راه پیما به کد ملی ۳۳۸۱۱۵۹۶۷۴ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

آگهی تغییرات شرکت تعاونی روستائی قوزلو به شماره ثبت ۱۰۶ و شناسه ملی ۱۰۹۸۰۲۵۷۸۰۱ به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۲۷/۱۰/۱۳۹۹ و نامه شماره ۸۳۴/۷۳۳ مورخ ۱۶/۱۲/۹۹ اداره تعاون روستائی شاهین دژ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : ۱ -ترازنامه وحساب سود وزیان سال مالی ۱۳۹۸شرکت تصویب شد. ۲- آقای اسمعیل عبادی قوزلو به شماره ملی ۲۹۳۸۵۳۵۷۲۴ و سیدجلال سیدی باشبرات با کدملی۲۹۳۸۵۳۳۲۴۵ به عنوان بازرسان اصلی برای سال تا تاریخ ۲۷/۱۰/۱۴۰۰انتخاب گردیدند. اداره کل ثبت اسناد و املاک استان آذربایجان غربی مرجع ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری شاهین دژ (۱۱۸۳۶۱۵)